در تاريخ ۲۹ اسفند ۱۳۷۷
اوامر

جلسه 65

بسم الله الرّحمن الرّحيم
الحمدلله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

عرض كرديم كه در مقام بيان اصل عملي در مساله، مرحوم آخوند(ره) در كفايه فرموده‌اند: كساني كه در بحث اقل و اكثر ارتباطي اشتغالي‌اند، قطعا در ما نحن فيه هم اصل عملي اشتغال را جاري مي‌كنند و ما هم عرض كرديم كه در ما نحن فيه به طريق اولي هست.

اما بر خلاف ديگران مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند: كساني كه در مساله اقل و اكثر ارتباطي برائتي‌اند، يعني برائت عقلي را جاري مي‌كنند، در مانحن فيه نمي‌توانند برائت عقلي را جاري كنند و در ما نحن فيه حتما بايد اشتغال و احتياط عقلي را جاري كنند.

سه تفسير و توجيه براي عبارت آخوند(ره) در ما نحن فيه

بيان ايشان را مفصلا عرض كرديم، البته عبارت مرحوم آخوند(ره) در اين قسمت، از عبارتهايي است كه، انصافا يک مقداري مشكل است. بعضي ادعا كردند كه، براي عبارت مرحوم آخوند(ره) در اين قسمت، سه تفسير وجود دارد و سه توجيه در كلمات بزرگان براي عبارت مرحوم آخوند(ره) هست.

توجيه محقق نائيني(ره) براي عبارت آخوند(ره)

يک توجيه از فرمايشات مرحوم محقق نائيني(ره) استفاده مي‌شود كه فرموده‌اند: وجهي كه سبب فرق بين اين مساله و مساله اقل و اكثر در نظر مرحوم آخوند(ره) هست اين است كه، مرحوم آخوند(ره) خواسته‌اند، بين اسباب و مسببات عاديه و اسباب و مسببات شرعيه فرق گذارند.

در مساله اقل و اكثر وقتي شک مي‌كنيم كه، آيا سوره جزئيت براي نماز دارد يا نه؟ آيا سوره در غرض مولا دخالت دارد يا نه؟ اين خودش يک عنوان و سبب شرعي دارد، يعني قابليت اين را دارد كه، شارع اين سوره را بيان كند. اما در ما نحن فيه مساله سبب و مسبب عادي مطرح است.

در مانحن فيه وقتي روي مبناي مرحوم آخوند(ره) مي‌گوييم: اخذ قصد قربت در متعلق امكان ندارد، نتيجه‌اش اين مي‌شود كه، سببيت قصد قربت براي حصول غرض مولا، يک سببيت عاديه و تكوينيه است و نه يک سببيت شرعيه. نمي دانيم كه آيا دفن

ميت بنفسه در حصول غرض مولا كافي است، يا براي تحصيل غرض مولا، نياز به قصد قربت داريم.

اگر قصد قربت بخواهد در حصول غرض مولا موثر باشد، اين تاثير، يک تاثير تكويني است و نه يک تاثير جعلي و شرعي.

مرحوم نائيني(ره) فرموده‌اند: مرحوم آخوند(ره) در ذهنشان اين مطلب است و خواسته‌اند بفرمايند: حال كه حاكم به اعتبار قصد قربت عقل است و عقل مي‌گويد: چيزي كه در غرض مولا دخالت دارد، بايد آورده شود، اينجا ديگر جاي برائت نيست و برائت در اسباب عاديه جريان ندارد.

برائت عقليه را نمي توانيم در اسباب و مسببات عاديه جاري كنيم. در اسباب و مسببات شرعي، هم برائت عقلي جاري مي‌شود و هم برائت شرعي، اما در اسباب و مسببات عاديه، جايي براي اجراي برائت عقلي نيست.

نقد و بررسي اين توجيه مرحوم نائيني(ره)

اين فرمايش نائيني(ره) هم از نظر مبنا محل اشكال است و هم اين كه اصلا عبارت مرحوم آخوند(ره) حتي اشعاري به فرق ميان اسباب و مسببات عادي و شرعي ندارد.

قاعدتا عبارت مرحوم آخوند(ره) را ملاحظه فرموديد، عبارت مرحوم آخوند(ره) به هيچ وجه در اين مساله حتي اشعاري هم ندارد، تا چه رسد به اين كه بگوييم: ظهور در اين معنا دارد. لذا لازم نيست كه بحث كرده و بگوييم: اين مبنا كه اصلا در اسباب و مسببات عاديه، جايي براي اجراي برائت عقلي نيست يا جاي جريان برائت هست، ديگر نيازي به بحث آن هم نداريم.

توجيه محقق خويي(ره) براي عبارت آخوند(ره)

تفسير دومي هم در فرمايشات مرحوم محقق خويي(اعلي الله مقامه الشريف) است كه فرموده‌اند: آنچه در نظر مرحوم آخوند(ره) سبب شده كه بين المسالتين فرق گذارد اين است كه، وقتي اين عمل را بدون قصد قربت انجام مي‌دهيم، شک مي كنيم كه آيا غرض مولا، حاصل شده يا نه؟ در اقل و اكثر ارتباطي، نمي دانيم نماز 9 جزء است يا 10 جزء؟ كه در آنجا اقل براي ما يقيني است و شک در اكثر، ممكن است برگردد به شک در تكليف زائد.

در مساله اقل و اكثر ارتباطي، شک ما به حصول غرض بر نمي‌گردد، البته فرمايش ايشان را عرض مي‌كنيم، اما در ما نحن فيه مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند كه: شک ما به حصول غرض بر مي‌گردد.

مرحوم خويي(ره) بعد از اين كه كلام مرحوم آخوند(ره) را اين طور توجيه كرده، اشكال كرده‌اند كه، چه فرقي بين اين دو مساله وجود دارد، آنجا هم وقتي شک داريم كه، آيا سوره محقق شده يا نه؟ بالاخره شک ما بر مي‌گردد به اين كه، آيا نماز بدون سوره در حصول غرض مولا دخالت دارد يا نه؟

نقد و بررسي اين توجيه مرحوم خويي(ره)

آنچه كه از عبارت مرحوم آخوند(ره) به خوبي استفاده مي‌شود اين است كه، در عبارت مرحوم آخوند(ره) مساله شک در حصول غرض ذكر نشده. آنچه كه مرحوم آخوند(ره) در اينجا در مقام بيان فرق بين المسالتين فرمود اين است كه: نمي‌دانيم كه

آيا با اين عمل بدون قصد قربت، عهده ما از آن تكليف معلوم خارج مي‌شود يا نه؟

يک تكليف براي ما مسلم و معلوم است، نمي‌دانيم بدون قصد قربت آيا اين عهده و ذمه ما بري مي‌شود يا نه؟ در عبارت ايشان مساله اصلا روي شک در حصول غرض نرفته است.

فرموده‌اند: تكليفي مسلم هست، اخذ قصد قربت هم، اگر در مطلوب مولا دخالت داشته باشد، اثبات كرديم كه اخذش در متعلق به نظر مرحوم آخوند(ره)، «لا بالامر الاول و لا بالامر الثاني» امكان ندارد و ما هم بين دو عمل مرديم.

توجيه استاد محترم نسبت به عبارت مرحوم آخوند(ره)

شايد خواسته‌اند يک شبه علم اجمالي درست كرده و بگويند: ما علم اجمالي داريم به اين كه تكليف مردد است بين العملين، به عقل كه مراجعه مي‌كنيم مي‌گويد: در موارد علم اجمالي، جاي اجراي اصالة البرائة نيست، بلكه جاي احتياط و اشتغال است.

ممكن است در ذهن شما هم بيايد و بگوييد: در مساله اقل و اكثر هم علم اجمالي داريم، آنجا هم وقتي نمي‌دانيم در نماز، سوره دخالت دارد يا نه؟ علم اجمالي داريم كه تكليف احد الامرين است؛ يا نماز با سوره و يا نماز بدون سوره. اما در آنجا مساله علم اجمالي سبب احتياط نمي‌شود، براي اين كه علم اجمالي انحلال پيدا مي‌كند به يک علم تفصيلي و شک بدوي، لذا قابليت اجراي برائت در آن نسبت به مقدار زائد هست.

اما در اينجا انحلالي در كار نيست، چون نمي‌دانيم از اول كه شارع دفن ميت را واجب كرده، آيا اين خصوصيت معتبر بوده يا نه؟ علم اجمالي داريم به اين كه يكي از اين دو نوع، به عنوان تكليف ما هست، انحلالي هم در كار نيست و لذا جاي اشتغال است.

سئوال:...؟

پاسخ استاد: نكته‌اي را كه ديروز عرض كردم اين است كه، روي مبناي مرحوم آخوند(ره) كه اخذ قصد قربت محال است، يعني شارع اگر در دفن ميت قصد قربت را معتبر بداند، لا بالامر الاول و لا بالامر الثاني ممكن نيست كه بيان كند، لذا روي اين مبنا شارع نمي‌توانسته در متعلق بياورد و چون احتمال مي‌دهيم در غرض مولا دخالت داشته باشد، لذا عقل مي‌گويد: بايد احتياط كنيم.

اين توضيحي كه عرض كردم براي اين است كه، خودتان در عبارت مرحوم آخوند(ره) يک مقدار، دقت بيشتري داشته باشيد.

محور فرمايشات مرحوم آخوند(ره) حول دو مطلب

مطلب اول مرحوم آخوند(ره)

علي اي حال عبارت مرحوم آخوند(ره) مثل خيلي از عبارات كفايه، داراي تفسيرها و توجيه هاي متعددي است. آنچه كه مهم است در اينجا اين است كه، بالاخره محور فرمايش مرحوم آخوند(ره) حول اين دو مطلب است؛ يک مطلب اين است كه فرموده‌اند: در ما نحن فيه قاعده قبح عقاب بلا بيان كه، مستند براي برائت عقليه است، جريان ندارد، براي اين كه انحلال در اين علم اجمالي كه توضيح داديم، وجود ندارد، لذا خود همين علم اجمالي بيان مي‌شود و ديگر قاعده قبح عقاب بلا بيان در اينجا جريان ندارد، تا بخواهيم برائت عقليه را جاري كنيم.

اگر در جايي قاعده قبح عقاب بلا بيان جريان نداشت، نوبت به اشتغال عقلي مي‌رسد.

نقد و بررسي مطلب اول مرحوم آخوند(ره)

نكته‌اي كه در اينجا وجود دارد اين است كه، اين فرمايش مرحوم آخوند(ره) روي اين مبناست كه، شارع نمي‌تواند به هيچ نحوي بيان كند، بله اگر از اول بگوييم: شارع قدرت بيان اعتبار قصد قربت را به هيچ نحوي ندارد، وقتي نداشت علم اجمالي درست مي‌شود كه، جلوي قاعده قبح عقاب بلا بيان را مي‌گيرد، لذا ديگر جايي براي اجراي برائت عقليه نيست.

اما از راه اطلاق مقامي يا اين كه بعدا به صورت امر نمي‌تواند بيان كند، اما بصورت جمله خبريه كه مي‌توانست بيان كند.

اين مطلب در فرمايش مرحوم خويي(ره) هم در اشكال به آخوند(ره) وجود دارد كه فرموده‌اند: به صورت جمله خبريه كه مي‌توانست بيان كند، مثلا شارع وقتي دفن ميت را واجب مي‌كند، به صورت جمله خبريه بيان كند كه، در دفن ميت قصد قربت معتبر است كه، البته اين هم بر مي‌گردد به همان مساله اطلاق مقامي.

اگر ديديدم شارع بيان نكرد، معلوم مي شود كه در اينجا، قصد قربت دخالتي در مطلوب مولا و شارع ندارد، در نتيجه قاعده قبح عقاب بلا بيان به خوبي جاري است.

اگر نسبت به اعتبار قصد قربت هيچ گونه بياني وجود نداشته باشد، در حالي كه شارع مي‌توانست از راه اطلاق مقامي يا جمله خبريه بيان كند.

مطلب دوم مرحوم آخوند(ره)

ثانيا نكته‌اي كه در خيلي جاهاي اصول هم به درد مي خورد اين است كه، آيا به مجرد اين كه چيزي را احتمال داديم كه، در غرض مولا دخالت دارد، عقل مي‌گويد كه: بايد آن را اتيان كنيد؟ اين بحث خيلي مهمي است كه، به صرف اين كه شارع دفن ميت را واجب كرده و احتمال مي‌دهيم در اين مطلوب مولا، قصد قربت هم دخالت دارد، آيا سبب مي شود كه عقل حكم كند كه، ما بايد حتما آن عمل را بياوريم؟

نقد و بررسي مطلب دوم مرحوم آخوند(ره)

اگر علم به دخالت شيئي در غرض مولا داريم، ولو مولا امري هم به آن نكرده باشد، بايد آن را انجام دهيم. اما به مجرد احتمال دخالت در غرض، عقل حكم نمي‌كند به اين كه بايد انجام شود.

به تعبيري كه اين تعبير هم در فرمايش آقاي خويي(ره) هست، آنچه كه در غرض مولا دخالت دارد، و به ما هم واصل شده، براي ما انجام و اتيانش لازم است. اما اگر در واقع چيزي در غرض مولا دخالت دارد و احتمال هم مي‌دهيم دخالت دارد، «اما لم يبَين لنا و لم يصل الينا»، در اينجا عقل نمي‌گويد كه: حتما بايد آن را اتيان كنيم.

در مساله غرض، وصول آنچه كه دخالت در غرض دارد معتبر است، همانطوري كه در باب تكليف، اگر تكليف به مكلف واصل نشود، تنجز ندارد، يعني نمي‌تواند شارع بر مخالفتش عقاب كند. عقاب بر مخالفت و ثواب بر موافقت مشروط به وصول تكليف

به مکلف است.

بنابراين اين مبناي مرحوم آخوند(ره) كه اگر چيزي را احتمال داديم كه، در غرض مولا دخالت دارد، ولو مولا به قدرت بيان هم ندارد، اما وقتي به ما نرسيده و واصل نشده، عمل به آن معتبر نيست.

پس بين ما نحن فيه و مساله اقل و اكثر ارتباطي از نظر برائت عقليه فرقي وجود ندارد. اگر در اقل و اكثر ارتباطي برائت جاري كرديم، اينجا هم بايد جاري كنيم و هيچ فرقي بين المسالتين نيست.

وصلّى الله على محمد و آله الطاهرين